گردآورنده متین اندخویی

دیوان خلیل الله خلیلی



بسم الله الرحمن الرحیم

گزیده اشعار استاد خلیل الله خلیلی

نویسنده:

خلیل الله خلیلی

ناشر چاپی:

دار اقراء

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

گزیده اشعار استاد خلیل الله خلیلی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : گزیده اشعار استاد خلیل الله خلیلی/گردآورنده متین اندخویی

مشخصات نشر : کابل: اقراء، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۱۳۸ص.

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۷۷۹۰۵

زندگینامه

خلیل الله خلیلی مشهور به استاد خلیلی (۱۲۸۶-۱۳۶۶ ه.ش) شاعر معاصر افغان است که به زبان فارسی شعر می سرود. وی فرزند یکی از بزرگان منطقهٔ کوهستان در شمال کابل بود و در کودکی پدرش را از دست داد. پیش از کوتای ۷ ثور وی صاحب مناصب دولتی متعدد در دولت وقت افغانستان بود و پس از آن، ترک وطن نمود و باقی عمر را اکثراً در پاکستان به سر برد. وی در مجموع ۶۲ اثر منظوم و منثور در عرصه های مختلف هنر، ادب، سیاست، فلسفه و عرفان دارد که بیشترشان در داخل و خارج از افغانستان به چاپ رسیده است.

رباعیات

رباعی شمارهٔ ۱

دل در همه حال تکیه گاه است مرا

در ملک وجود پادشاه است مرا

از فتنه ی عقل چون به جان می آیم

ممنون دلم خدا گواه است مرا

رباعی شمارهٔ ۲

اگر دانی زبان اختران را

شبانه بشنوی راز جهان را

سکوت شب به صد آهنگ خواند

به گوشت قصه های آسمان را

رباعی شماره ۳

بر قله ی کهسار، درختی برپاست

بر شاخ درخت، آشیانی پیداست

غم کوه و درخت، زندگانی من است

بر شاخ درخت، مرغکی نغمه سراست

رباعی شماره ۴

سرمایه ی عیش، صحبت یاران است

دشواری مرگ، دوری ایشان است

چون در دل خاک نیز یاران جمعند

پس زندگی و مرگ به ما یکسان است

رباعی شماره ۵

از مرگ نترسم که مددکار من است

در روز پسین مونس و غمخوار من است

اجداد مرا برده به سر منزل خاک

این مرکب خوشخرام رهوار من است

رباعی شماره ۶

کشتند بشر را که سیاست این است

کردند جهان تبه که حکمت این است

در کسوت خیرخواهی نوع بشر

زادند چه

فتنه ها، مهارت این است

رباعی شماره ۷

با خلق نکو بزی که زیور این است

در آینه ی جمال، جوهر این است

آن قطره ی اشکی که بریزد بر خاک

بردار که گنج لعل و گوهر این است

رباعی شماره ۸

ای غره به اینکه دهر فرمانبر توست

وین ماه و ستاره و فلک چاکر توست

ترسم که ترا چاکر خویش پندارند

آن مورچگان که رزقشان پیکر توست

رباعی شماره ۹

تا بر لب من آه شرر باری هست

بر ساز شکسته ی دلم تاری هست

درهای امید را اگر بربستند

تا مرگ بود رخنه ی دیواری هست

رباعی شماره ۱۰

ای مشت گل این غرور بیجای تو چیست؟

یک بار به خود نگر که معنای تو چیست؟

یک جعبه ی استخوان، دو پیمانه ی خون

پنهان تو چیست؟ آشکارای تو چیست؟

رباعی شماره ۱۱

بی دولت عشق زندگانی نفسی ست

هنگامه ی عشرت جوانی هوسی ست

بی باد بهار جای گل در گلشن

یا دسته ی خار خشک یا مشت خسی ست

رباعی شماره ۱۲

هر صبح که کردیم به غم شام گذشت

هر جور که دیدیم ز ایام گذشت

آلام اگر دست ز ما باز نداشت

ما پیر شدیم و درک آلام گذشت

رباعی شماره ۱۳

گر خاک در یار نفروختیم گذشت

گر طعنه ی اغیار شنفتیم گذشت

آن سوز که در سینه ی ما پنهان بود

گفتیم گذشت، گر نگفتیم گذشت

رباعی شماره ۱۴

آن نیمه ی نان که بینوایی یابد

وان جامه که کودک گدایی یابد

چون لذت فتحی ست که اقلیمی را

لشکر شکنی جهانگشایی یابد

رباعی شماره ۱۵

صبح است ز خرمی جهان می خندد

هر قطره به بحر بیکران می خندد

بو در گل و نشه در می و می در جام

از شوق، زمین و آسمان می خندد

رباعی شماره 16

هر ذره ی خاک من زبانی دارد

از گردش دهر دوستانی دارد

این کهنه ردای من نهان در هر چین

تاج و کله جهان ستانی

دارد

رباعی شماره ۱۷

از ابر سیاه لعل و گهر می ریزد

وز دیده ی من خون جگر می ریزد

بی روی تو از هر مژه ام در گلشن

دامن دامن لاله تر می ریزد

رباعی شماره ۱۸

آن فر و شکوه کبریاییت چه شد؟

آن لاف خدیوی و خداییت چه شد؟

صد قرن بر افکار و عقول مردم

فرماندهی و حکمرواییت چه شد؟

رباعی شماره ۱۹

شهرت طلبی چند به هم ساخته اند

چون گرگ گرسنه در جهان تاخته اند

کردند به زیر پا هزاران سر و دست

تا گردن شوم خود بر افراخته اند

رباعی شماره ۲۰

یارب به کسانی که جگر سوخته اند

یک عمر متاع درد اندوخته اند

خاکم به هوای آن جوانمردان کن

کز هر چه بجز تو دیده بردوخته اند

رباعی شماره ۲۱

گر علت مرگ را دوا می کردند

گر چاره ی این نوع دو پا می کردند

می دیدی کاین جماعت تیره نهاد

بر روی زمین چه فتنه ها می کردند

رباعی شماره ۲۲

عزیزان چون بدان ساحل رسیدند

ز همراهان خود یکدم بریدند

چنان از صحبت ما دل گرفتند

که سهوا هم به سوی ما ندیدند

رباعی شماره ۲۳

پیران که چنین مقام و حرمت دارند

زان نیست که یک دو دم قدامت دارند

این حرمت از آن است که آنها دو نفس

در رفتن از این خرابه سبقت دارند

رباعی شماره ۲۴

دانی که شبان چه فتنه آغاز کند

آن دم که نی شبانه را ساز کند

غمهای زمانه را فرو بندد در

ابواب نشاط یک به یک باز کند

رباعی شماره ۲۵

این سنگ ملون که گهر می نامند

وان آهن زردگون که زر می خوانند

بی گوهر ارزنده ی معنی همه را

مردان گهرسنج هدر می دانند

رباعی شماره ۲۶

عارف به دل ذره جهان می بیند

آنجا مه و مهر و کهکشان می بیند

کوری بنگر که چشم دانشور عصر

دست و سر کشتگان در آن می بیند

رباعی شماره ۲۷

دل در غم عشق

تو برومند بود

در پرتو دیدار تو خرسند بود

بگذاشته ام در کف و گویم هر روز

در شهر شما بهای دل چند بود

رباعی شماره ۲۸

تا این خرد خام تو، معیار بود

این ساختن و شکستت کار بود

تنها نه سرت به پای من خورد به سنگ

هر جا که روی تو سنگ و دیوار بود

رباعی شماره ۲۹

امروز که عصر علم و فرهنگ بود

قانون جهان به دیگر آهنگ بود

گر سده ی تو به پیش این سنگ بود

این عیب بود، عار بود، ننگ بود

رباعی شماره ۳۰

در گلشن زندگی به جز خار نبود

جز درد و غم و محنت و آزار نبود

امید نکرد گل که یاس آمد بار

سرتاسر زندگی جز این کار نبود

رباعی شماره ۳۱

هرکس که به ازدواج پابند شود

معروض به داغ و درد فرزند شود

دهقان زمانه بر کسی می خندد

کز کشتن تخم مرگ خرسند شود

رباعی شماره ۳۲

چو از دل عشق رفت آزار آید

چو گل رفت از گلستان خار آید

نمی بینی که چون پنهان شود مهر

شب تاریک اندوه بار آید

رباعی شماره ۳۳

دی شاخ شکوفه در چمن می خندید

بر سنبل و نسرین و سمن می خندید

از دور سپیده ی سحر را دیدم

بر روز خود و به شام من می خندید

رباعی شماره ۳۴

سر راه غریبان خار روید

ز کشت شان دل بیمار روید

به هر جایی که کارم تخم امید

به جای گل همه آزار روید

رباعی شماره ۳۵

آن ماه سخن ز بامیان می گوید

اسرار گذشته ی جهان می گوید

دل قصه ی عشق او ز چشمش پنهان

از موی شنیده بامیان می گوید

رباعی شماره 36

این کینه وران باز به نیرنگ دگر

دارند سر فتنه به آهنگ دگر

فریاد که این شعبده بازان هر روز

خواهند به نام آشتی جنگ دگر

رباعی شماره 37

آن منظر فیض صبحگاهی بنگر

انوار تجلی الهی بنگر

در وادی نقره فام گردون هر

شب

آن قافله لایتنهای بنگر

رباعی شمارهٔ ۳۸

ای بار خدای پاک دانای قدیر

دارم به تو حاجتی به فضیلت بپذیر

آن را که به لطف خویش عزت دادی

تا زنده بود به خواریش باز مگیر

رباعی شمارهٔ ۳۹

طفلی بودم غنوده بر بستر ناز

برخاست ز دور نغمه های دمساز

تا گوش نهادم نه صدا بود و نه ساز

ای شور جوانی! تو کجا رفتی باز

رباعی شمارهٔ ۴۰

بیا ساقی بده آن جام گلرنگ

که زد بر شیشه ی من آسمان سنگ

به صد صحرا نمی گنجد غم دل

چه سان گنجایش در سینه ی تنگ

رباعی شمارهٔ ۴۱

ای مرغ شباهنگ دل انگیز، بنال

قربان تو، ای طایر شب خیز، بنال

از ناله ی تو مرغ دلم نالد زار

این ناله به آن ناله در آمیز، بنال

رباعی شماره ۴۲

یارب سوزی که جسم و جان را سوزم

این کارگه سود و زیان را سوزم

یک شعله ی جانسوز که در آتش آن

خود را سوزم هر دو جهان را سوزم

رباعی شماره ۴۳

ای سرو روان بیا که دستت بوسم

لبهای ظریف می پرستت بوسم

گر من نخورم تو باده در جامم ریز

تا مست شوم دو چشم مستت بوسم

رباعی شماره ۴۴

یارب دردی که ناله آغاز کنم

شوری که سرود شوق را ساز کنم

چشمی که به سوی خویش چون باز کنم

آن گمشده را از دور آواز کنم

رباعی شماره ۴۵

ما مرغ اسیر بی پر و بال توییم

هر جا که روی چون سایه دنبال توییم

گر خسته شدی ز راه، دل مرکب توست

حمال تو و ملک تو و مال توییم

رباعی شمارهٔ ۴۶

این صبح همان و آن شب تار همان

ما شش در و این چهار دیوار همان

استاد زمانه یک سبق داده به ما

تکرار همان و باز تکرار همان

رباعی شمارهٔ ۴۷

چو گم شد پرتو عشق از دل من

خدایا چیست جز غم حاصل من

سحاب عشق اگر یکدم نبارد

بسوزان خرمن

آب و گل من

رباعی شماره ۴۸

چون در کف روزگار گشتیم زبون

چون ساغر عشق و آرزو گشت نگون

جاسوس خرد دگر چه جوید از ما

گوید کزین شهر کشد رخت برون

رباعی شماره ۴۹

شب است ساقی! ساغرت کو؟

فروغ ماه و نور اخترت کو؟

ز دور آید صدای مرغ شبگیر

نوا و نغمه ی جان پرورت کو؟

رباعی شماره ۵۰

افسوس که زندگی دمی بود و غمی

قلبی و شکنجه ای و چشمی و نمی

یا جور ستمگری کشیدن هر روز

یا خود به ستمکشی رساندن ستمی

رباعی شماره ۵۱

ای سرو روان که نخل امید منی

وی مایه ی جان که عمر جاوید منی

در شهر شما که آسمان پر ابر است

مهتاب منی، فروغ خورشید منی

رباعی شماره ۵۲

در باغ جهان تو هم گل زیبایی

بویا و دل انگیز و چمن آرایی

عمری ست که گلهای دگر می خندند

این غنچه ی تر چرا تو لب نگشایی

رباعی شماره ۵۳

چه باشد زندگانی را بهایی

فسرده از نمی، خشک از هوایی

ز مطبخ سالها تا مستراحیم

مگر این زندگی یابد بقایی

رباعی شماره ۵۴

از بس خوش و مست و دلربا می آیی

چون باد بهار جانفزا می آیی

دل خانه ی عشق توست آبادش دار

چون خانه خراب شد کجا می آیی

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹